

وضعیت خط فارسی و تغییرات احتمالی آن؛ با توجه به فضا سازی ذهنی

مسعود پورنوروز* masoudpornorooz@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی دانشگاه گیلان

عارف حسینی* aref.hosseiny.j@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی دانشگاه گیلان

چکیده

در این مقاله با بررسی ویژگی‌های کلی خط فارسی و معایب آن تلاش می‌شود توصیفی از وضعیت امروز خط فارسی ارائه شود. جایگاه خط فارسی و کارکرد این خط در پدیده‌های امروزی مانند تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی سنجیده می‌شود. پاسخی که فارسی‌زبانان و زبان‌شناسان به معایب خط فارسی و عدم امکان تطبیق آن با پدیده‌های جدید می‌دهند باعث می‌شود آرا و رویکردهای متفاوتی نسبت به آینده‌ی خط فارسی اتخاذ شود؛ از تغییر کلی این نظام خطی به نظامی لاتین گرفته تا تلاش کاربران کم سن و سال شبکه‌های اجتماعی برای استفاده از خطی به نام فینگلیش، همه نشان‌دهنده‌ی مسئله‌دار بودن وضعیت امروز خط فارسی است. در پژوهش حاضر، با رویکردی شناختی، سعی بر آن است تا نحوه‌ی فضا سازی در ذهن را به هنگام فینگلیش نویسی با استفاده از فرضیه‌ی تلفیق نشان دهیم.

واژگان کلیدی

*خط فارسی

*فینگلیش

*پیام نوشتاری

*تغییرات خط

*تلفیق

۱. مقدمه

نوشتن و سخن گفتن، هم منشأ و هم کاربرد متفاوتی دارند. قدمت توانایی بشر در استفاده از زبان به قدمت بشریت و منعکس‌کننده‌ی تغییرات زیست‌شناختی و شناختی حاصل در تاریخ تکامل او است. نوشتار، یعنی نمایش نمادین زبان به شکل خطی قابل نگهداری، دستاورد فرهنگی نسبتاً جدیدی است؛ زیرا تنها در خلال پنج هزار سال اخیر حاصل شده است. خط و نوشتار، ریشه در اجتماع و فرهنگ انسان دارد و انسان آن را بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی اختراع کرده و برای تثبیت زبان و گفتار به کار گرفته است. زبان به صورت گفتار و آنگاه به کمک خط، به شکل نوشتار درمی‌آید.

رویکرد غالب در مطالعه‌ی نظام‌های نوشتاری، چگونگی پیوند دادن زبان با نشانه‌های نوشتاری است. در سال‌های اخیر، نظام نوشتاری به عنوان حوزه‌ای مجزا در مطالعات زبان‌شناسی از اهمیت خاصی برخوردار شده و مطالعات بسیاری در زمینه‌ی نظام‌های نوشتاری گوناگون انجام شده است. اهمیت خط، در ایجاد تاریخ برای انسان، باعث شد رویکردهای جامعه‌شناختی نیز به بررسی نظام نوشتاری زبان‌های متفاوت بپردازند تا وجوه مختلف زبان و فرهنگ یک جامعه را که به واسطه‌ی خط در طول زمان منتقل می‌شود، آشکار کنند. یکی از این بررسی‌ها ورود زبان‌شناسی شناختی به بحث‌های مرتبط با خط است.

سال‌ها مطالعه‌ی زبان و مطالعه‌ی شناخت، دو عرصه‌ی جدا از هم در نظر گرفته می‌شد و به ندرت زبان را نوعی عملکرد شناختی بنیادین به شمار می‌آوردند؛ ولی در چند دهه اخیر، زبان و به تبع آن مقوله‌بندی و فهم انسان به عنوان یک عملکرد شناختی بنیادین در نظر گرفته می‌شود و علوم شناختی این دو حوزه‌ی مطالعه را با هم ادغام کرده است؛ بنابراین دیگر زبان به عنوان حوزه‌ای جدا در ذهن محسوب نمی‌شود بلکه اکنون ما از مطالعه‌ی ذهن و عملکردهای آن صحبت می‌کنیم.

۲. مطالعات زبان‌شناسان شناختی و غیر شناختی فارسی در حوزه‌ی زبان پیامکی

با توجه به اهمیت موضوع پیام‌رسانی و تأثیر آن در زبان فارسی، باید گفت زبان‌شناسان آن‌طور که شایسته‌ی این اهمیت است در این زمینه دست به عمل نشده‌اند. بامشاد (۱۳۹۴)، به تلخیص کلمات و واژه‌ها، ترکیب واژگان نامتجانس، استفاده از زبان کوچ، معادل‌سازی سلیقه‌ای و مواردی مشابه این دست آسیب‌ها پرداخته است. مقاله‌ی دیگری با عنوان (تغییر

خط فارسی، به کدامین بها؟) توسط معمارزاده (۱۳۹۴) نوشته شده که در آن به بی‌توجهی نسبت به ادبیات فارسی، آسیب‌های فضای مجازی بر نوشتار فارسی و عدم سندیت گفتار در این فضا می‌پردازد. زبان اینترنتی، گونه‌ای زبانی است که تحت شرایط و محدودیت‌های تعریف‌شده‌ای که رسانه‌های اینترنتی وضع کرده‌اند، برای ارتباط زبانی کاربران در فضای مجازی به وجود آمده است. در فضای مجازی، جامعه‌ی زبانی همگن و یکدستی وجود ندارد و اعضای آن می‌توانند با زبان مادری خود با دیگران ارتباط داشته باشند. میزان حضور یک زبان در فضای مجازی، به تلاش زبانوران آن بستگی دارد. زبان اینترنتی فارسی، یکی از گونه‌های زبانی فارسی است که متأثر از سرعت، تعامل کاربران، کارآمدی، غیررسمی و فی‌البداهه بودن، در فضای الکترونیکی مجازی برای ارتباط زبانی کاربران استفاده می‌شود. فارسی‌زبانان، روزانه زمان قابل‌توجهی را در فضاهای مجازی سپری می‌کنند. بنابراین باید از یک‌سو، تولید نرم‌افزارهای زبان فارسی مانند استانداردسازی، رمزگذاری در متون فارسی، غلط‌یاب املائی، تبدیل خط فینگلیش به خط فارسی، تبدیل گفتار پیوسته‌ی فارسی به نوشتار و ترجمه‌ی ماشینی زبان نوشتاری و گفتاری انگلیسی به فارسی با دقت بسیار بالا حمایت شود و از سوی دیگر، فضای مجازی برای رفع کاستی‌های زبان اینترنتی استفاده کرد. باید توجه داشت که فضای مجازی همچون آزمایشگاه بزرگی است که کاربران آن خلاقیت و آهسته‌آهسته خود را در ساختن اختصارات و سرواژه‌ها تجربه می‌کنند؛ همچنین می‌توان از ظرفیت بسیار بالای رسانه‌های اینترنتی برای توسعه‌ی خط و زبان فارسی استفاده کرد. یکی از گنجینه‌های فرهنگی کشور، گویش‌های متنوعی است که سراسر ایران را فراگرفته. با استفاده از فناوری صوتی رقمی، نویسه‌ی آواهای بین‌المللی در یونیکد و راهنمای فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌توان برای گردآوری گویش‌ها، این گنجینه‌ی ارزشمند را به اندوخته‌های فرهنگی کشور افزود (بیجن‌خان، ۱۳۹۱). در زمینه‌ی بررسی شناختی برای نوشتار فینگلیش، بر اساس نظریه‌ی تلفیق، هیچ پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما کارهایی که در آن به نظریه‌ی تلفیق مفهومی (conceptual blending) و فضاهای ذهنی اشاره شده، می‌توان به کارهایی چون «بررسی فضاهای ذهنی در متون خبری روزنامه‌های ایران» از حیات عامری و همکاران (۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۷۲) اشاره کرد که در آن به اخبار منعکس‌شده توسط روزنامه‌های فارسی‌زبان در چارچوب نظریه‌ی فضای ذهنی پرداخته‌اند. ایشان در این تحقیق، که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده، فضای ذهنی شش متن خبری برگرفته از دو روزنامه‌ی متفاوت فارسی‌زبان که به موضوعی واحد پرداخته‌اند را مورد بررسی قرار

داده‌اند. نتیجه‌ی حاصل‌شده این‌گونه است که نویسندگان اخبار با استفاده از فضاسازی‌های ذهنی متفاوت، افکار و عقاید خود را به مخاطبان القا کرده و انعکاس خبر را به سمتی که تیترا خبری بر مبنای آن شکل گرفته هدایت می‌کنند. همچنین گلفام علوی (۱۳۸۵: ۲۱۰-۲۲۹) در مقاله‌ی خود به معنی‌شناسی از زاویه‌ی مشاهدات ذهنی و روان‌شناختی پرداخته است. آقا گل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۴۹) به بررسی وجه فعل در زبان فارسی با توجه به نظریه‌ی فضا‌های ذهنی نگریسته است.

۳. چارچوب نظری

زبان‌شناسی شناختی بر این باور است که «زبان، قوه‌ی شناختی خودبسنده‌ای نیست». با توجه به این باور که یکی از پارادایم‌های علوم شناختی محسوب می‌شود می‌توان نشان داد که استفاده از رویکردهای صورت‌گرا، قادر به تبیین برخی از تمایزات نیست. فوکونیه و ترنر^۲ (۲۰۰۲: ۶) برای نشان دادن عدم‌کفایت تبیینی نظریه‌های صورت‌گرا، به سه تمایز اشاره می‌کنند: «هویت، تلفیق و تخیل». آن‌ها توضیح می‌دهند که هویت یعنی «تشخیص همانندی و همسنگ شده‌ها»، آنچه اساساً به معنای توانایی نگاه کردن به یک گل و تشخیص آن به‌عنوان یک گل است؛ این همان توان ایجاد ارتباط بین مفهوم گل و گلی است که در جهان بیرون است. به همین منوال، فوکونیه و ترنر، تلفیق را «یافتن هویت‌ها و چیزهای مقابل آن‌ها» معرفی می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که هویت و تلفیق «نمی‌توانند توجیه‌گر معنا باشند و پیشرفت آن‌ها بدون من‌سوم ذهن بشر، یعنی تخیل، امکان‌پذیر نیست». توانایی تلفیق نیز به‌نوبه خود تخیل را به خدمت می‌گیرد تا چیزی را بسازد که می‌توان آن را، به‌طور خاص، در توانایی انسان در خلق هنری، آیینی و البته زبان دید. ادعای کلیدی معناشناسی شناختی این است که تخیل انسان نقش مهمی را در فرایندهای شناختی بازی می‌کند. تلاش‌های فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲؛ ۱۹۹۹) در یافتن نقش تخیل در زبان و در فرایند معناسازی، بخصوص جنبه‌های «خلاق» ساخت معنا مانند استعاره‌های بدیع و خلاف‌ها، آن‌ها را به نظریه تلفیق مفهومی می‌رساند. تحقیقات اخیر در زمینه‌ی نظریه‌ی تلفیق، مدافع این دیدگاه است که تلفیق مفهومی در تفکر و تخیل انسان نقش اساسی بازی می‌کند. همچنین نشان داده شده است که شواهد دال بر این توانایی بشر نه‌تنها در زبان بلکه در سایر حوزه‌های مربوط به فعالیت‌های انسانی از قبیل هنر،

اندیشه، اعمال مذهبی و سایر زمینه‌های علمی یافت شده است. برای اینکه بتوانیم توضیح کاملی از تلفیق داشته باشیم ابتدا باید نگاهی به استعاره^۳ و موارد مرتبط با آن داشته باشیم. در عصر معاصر برداشت و تفسیری که از استعاره می‌شود کاملاً متفاوت است با آنچه در گذشته مورد آن بیان می‌شد. برای مثال در عصر معاصر، جایگاه استعاره را در اندیشه می‌دانند و نه در زبان. این بدان معنا است که هر لحظه با استعاره درگیر هستیم و تنها راه اندیشه و مفهوم‌سازی توسط استعاره انجام می‌گیرد. در رویکرد شناختی به استعاره، به دو عنصر مشابه (حوزهی مقصد)^۴ و مشابهه (حوزهی مبدأ)^۵ تأکید شده است. اصطلاح حوزهی مبدأ برای اشاره به حوزهی مفهومی به کار می‌رود که استعاره از آن به دست می‌آید و حوزهی مقصد برای اشاره به حوزهی مفهومی به کار می‌رود که استعاره به آن اعمال می‌شود. برای مثال «بحث جنگ است»، در این مثال بحث حوزهی مقصد است و جنگ حوزهی مبدأ. در نظریه‌ی استعاره‌های مفهومی که توسط لیکاف و جانسون^۶ (۱۹۸۰: ۲۵) در کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»، ارتباط میان حوزه‌های مفهومی^۷ را به صورت درج یا نگاشت‌هایی میان عناصر حوزه‌های مبدأ و مقصد نشان می‌دهد. نکته‌ی حائز اهمیت اینکه معمولاً تمام جنبه‌های حوزهی مبدأ در حوزهی مقصد نگاشته نمی‌شود. حوزهی نگاشت یک استعاره در واقع محدودیت‌هایی است که مشخص می‌کند چه تناظرهایی می‌توانند از یک مفهوم مبدأ به مفهوم مقصد انتخابی نگاشت شوند. برای مثال استعاره‌ی «وقت طلاست» را در نظر بگیرید که نگاشت استعاره‌ی بالا این گونه است:

الف. وقت متناظر است با طلا.

ب. ارزش وقت متناظر است با ارزش طلا.

ج. موارد ارزشمندی که می‌توان با زمان به دست آورد متناظر است با موارد ارزشمندی که با داشتن طلا می‌توان به دست آورد.

د. مشکلاتی که به خاطر از دست دادن زمان به وجود می‌آیند متناظر هستند با مشکلاتی که بعد از دست دادن طلا به وجود می‌آیند.

نگاشت مجموعه‌ای از تناظرها است، بنابراین هرگاه با استفاده از نمونه‌ی وقت طلاست به استعاره‌ای اشاره می‌شود، در حقیقت مجموعه‌ای از تناظرها مدنظر است. در انتهای این بخش

3. Metaphore

4. Target domain

5. Source domain

6. Lakoff and Johnson

7. Mental domains

باید به این نکته اشاره کرد که استعاره نگاشت اطلاعات در بین حوزه‌های مفهومی است و همچنین خصوصیات یک حوزه به‌طور کامل در حوزه‌ی دیگر نگاشت نمی‌شود.

فوکونیر و ترنر (۱۹۸۵، ۱۹۹۷) چارچوب تحلیلی جدیدی را ارائه داده‌اند که بر اساس آن استعاره به‌عنوان فرایند شناختی کلی‌تری نسبت به نظریات دیگر در نظر گرفته می‌شود. فوکونیر و ترنر این فرایند را تلفیق مفهومی^۸ یا آمیزه می‌نامند. آمیزه یا تلفیق از ترکیب مواد مفهومی از دو حوزه‌ی کاملاً متمایز به وجود می‌آیند. همانند استعاره در دیگر نظریه‌های شناختی، تلفیق نیز فرایندی فراگیر در اندیشه‌ی انسان است که تجلی آن را می‌توان در زبان معمول و روزمره یافت. در عوض دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد، الگوی فوکونیر و ترنر شامل چهار فضا^۹ است که فوکونیر هرکدام از این فضاها را (که عبارت‌اند از فضای عمومی^{۱۰}، حوزه‌ی مبدأ، حوزه‌ی مقصد و فضای تلفیق^{۱۱}) یک فضای ذهنی در نظر می‌گیرد. این فضاهای ذهنی شامل مجموعه‌ای از اطلاعات منسجم هستند که در یک‌زمان مشخص در ذهن فعال می‌شوند و درک یک سناریوی واقعی یا تخیلی را نشان می‌دهند. مفهوم فضاهای ذهنی در معنی‌شناسی شناختی اولین بار توسط فوکونیر (۱۹۸۵) مطرح شد. فوکونیر معتقد است که معنی چیزی از پیش‌ساخته و قابل تعبیه در واژه نیست بلکه کاربرد واقعی زبان در بافت است. فوکونیر و ترنر (۱۹۹۸: ۱۴۰-۱۵۰) معتقد هستند که استعاره‌ی مفهومی مورد ویژه‌ای از یک موضوع گسترده‌تر است؛ اینکه نظام ادراکی ما در مورد حوزه‌ها چگونه عمل می‌کند، چگونه عناصر را از حوزه‌ای به حوزه‌ی دیگر منتقل می‌کند، چگونه دو حوزه را در هم ادغام می‌کند، چگونه بر اساس حوزه‌های موجود حوزه‌ی جدیدی می‌سازد و غیره. اندیشه‌های مجازی ما تا حد زیادی به‌واسطه‌ی حوزه‌های سازمان‌یافته‌ی تجربیات ما طراحی می‌شوند. بنا به گفته‌ی فوکونیر و ترنر، فضای ذهنی، بسته‌ای مفهومی است که دقیقاً در زمان درک ساخته می‌شود. فضای ذهنی اغلب از حوزه‌ی مفهومی کوچک‌تر اما درعین‌حال بسیار اختصاصی‌تر ساخته می‌شود. فضاهای ذهنی اغلب بیشتر از یک حوزه‌ی مفهومی ساخته می‌شوند. به‌عنوان مثال، جمله‌ی «دیروز علی را دیدم» ما را وادار می‌سازد تا فضایی برای واقعیت کنونی گوینده و فضای دیگری (گذشته) که علی در آن دیده‌شده است، بسازیم. فضای ذهنی دیروز دارای یک گوینده‌ی خاص و یک علی

8. Conceptual integration

9. Space

10. Generic space

11. Blended space

خاص است اما حوزه‌های مفهومی بسیار کلی‌تر هستند. چون به هنگام فینگلیش‌نویسی مواردی مانند طرز تفکر، فرهنگ، تاریخ، خط و زبان مبدأ با زبان مقصد تلفیق می‌شوند که حاصل کار تولید خطی است و عملاً در ثبت متون ادبی، اداری، رسمی یا دانشگاهی استفاده‌ای ندارد و صرفاً در مکالمات غیررسمی نمود دارد. این نیز خود فضای سومی را شکل می‌دهد که نوشتار فینگلیش خواهد بود. فوکونیر (۱۹۹۷:۱۷) ساخت معنا را بر اساس عملکردهای ذهنی پیچیده و سطح بالایی در نظر می‌گیرد که هنگام فکر کردن، برقراری ارتباط یا کنش (act) در میان حوزه‌ها (domains) به کار می‌رود. هنگامی که افراد برای برقراری ارتباط از زبان استفاده می‌کنند پیوسته از طریق اطلاعات زبانی و بافت‌های جاری، حوزه‌هایی را ایجاد می‌کنند. فوکونیر به این حوزه‌ها عنوان فضاها را اطلاق می‌کند.

۴. خط فارسی

انتخاب نوع الفبا و خط برای کتابت زبان‌های مختلف معمولاً از راه تقلید صورت می‌گیرد و در این مورد کمتر به ابداع و نوآوری برمی‌خوریم. انتخاب خط برای زبان فارسی نیز خارج از این چهارچوب صورت نگرفته است. خط فارسی از خط عربی اقتباس شده است و این در حالی است که ساختار نوشتار عربی از ابتدا برای نگارش زبان عربی وضع شده بود. پس از اسلام، ایرانیان ضمن الگوگیری از این نشانه‌های نوشتاری سعی نمودند این خط را با زبان فارسی سازگار کنند؛ گرچه تا قرن ششم و هفتم حتی برای نمایش آواهای «پ، چ، ژ، گ» فارسی به ترتیب از حروف «ب، ج، ز، گ» استفاده می‌شد. بعدها با اضافه کردن چند نقطه و ویرگول، تا حدودی از امکان بروز اشتباه و غلط‌خوانی پیشگیری شد و خط اقتباس شده از عربی به‌طور نسبی با زبان فارسی هماهنگ شد. نکته اینجا است که اگر بنا بود این روند تطبیقی ادامه یابد، موارد بسیاری وجود داشت که باید مشمول این هماهنگی‌ها قرار می‌گرفت اما ادامه‌ی روند هماهنگ‌سازی تقریباً متوقف شد. درعین حال باید گفت که گویشوران فارسی، این خط را با همه‌ی مشکلات و دشواری‌های آن پذیرفته‌اند و از آن بهره می‌برند. در ادامه به پاره‌ای از این ناهماهنگی‌ها اشاره می‌کنیم.

- عدم انعکاس مصوت‌های [a e o] در خط
- کاربرد صامت‌های مشدد بدون استفاده از نشانه‌ی تشدید
- کاربرد چند نشانه‌ی خطی برای اشاره به یک صدا یا ترکیب صدایی

- نمایش چند آوای مختلف با استفاده از یک حرف الفبا
- عدم انعکاس آوایی برخی حروف در مواضع خاص (حروفی که نوشته نمی‌شوند ولی خوانده می‌شوند).
- عدم انعکاس نوشتاری برخی آواها در مواضع خاص (آواهایی که تلفظ می‌شوند ولی نوشته نمی‌شوند).
- دلالت هم زمان یک نشانه به دو آوا
- چندشکلی حروف الفبا
- نوع چرخش و جهت خطوط به هنگام نوشتن
- ناهماهنگی شکل و حروف الفبا از جهت امکان اتصال
- ناهماهنگی در اتصال کلمات مرکب، وندها و عناصر تصریفی
- فراوانی نقطه‌ها، شکل نقطه‌گذاری و احتمال پس‌وپیش شدن آن‌ها

توصیف نارسایی‌های خط فارسی به این معنی نیست که متصدیان زبان و خط در جامعه اقدام به اصلاح خط را با هر قیمتی مجاز شمارند و بدون بررسی تبعات گوناگون آن به اقدام اصلاحی در زمینه‌ی نوشتار مبادرت ورزند؛ گرچه تغییر الفبای یک زبان هیچ‌گاه منجر به تغییر و تبدیل زبان نمی‌گردد. در میان خط‌های الفبایی درجاتی از لحاظ انطباق میان نگاره- واج وجود دارد که این امر می‌تواند پیامدهایی برای فرایندهای ذهنی دخیل در افراد طبیعی و خوانش پریش داشته باشد. به طور کلی خطی که انطباق یک به یک میان نگاره و واج‌های آن وجود داشته باشد خط شفاف (کم‌عمق)^{۱۲} و خطی که نگاره و واج‌های آن، به نحوی، انطباق یک به یک نداشته باشد خط تیره (عمیق)^{۱۳} نامیده می‌شود. در خط‌های تیره برخی از نگاره‌ها نماینده‌ی بیش از یک واج هستند و برخی واج‌ها با بیش از یک نگاره در خط نمایش می‌یابند. می‌توان خط‌های الفبایی را در طول پیوستاری بر اساس شفافیت یا قاعده‌مندی انطباق نگاره - واج دسته‌بندی کرد. در یک سمت این پیوستار، خط‌هایی مثل اندونزیایی، آلمانی و اسپانیایی (خط‌های شفاف) و در سمت دیگر، خط‌هایی همچون انگلیسی و عبری (خط‌های تیره) قرار دارند. خطی که واژه‌های شفاف و تیره را در آن واحد در خود دارد، خط فارسی است زیرا از طرفی برخی از واژه‌های فارسی فقط به‌صورت زنجیره‌های همخوانی نمایش داده می‌شوند (مانند

12. shallow

13. deep

مرد، خشک، سرد) و در برخی دیگر از واژه‌های فارسی واژه‌ها نمایش داده می‌شوند، از این رو بسیار شفاف هستند (مانند مار، سار، باران). پس می‌توان گفت خط فارسی در نیمه راه پیوستار شفافیت خط قرار دارد (دانای طوسی و بلوچ، ۱۳۸۵: ۶۲-۷۰).

۵. زبان پیامکی^{۱۴}

زبان پیامکی به اصطلاحات اختصاری استفاده شده در پیامک‌ها و چت روم‌ها و شبکه‌های مجازی اجتماعی اطلاق می‌شود. زبان پیامکی در نوشتن واژه‌ها با کمترین تعداد نویسه برای رساندن مفهوم است، به همین خاطر در این‌گونه‌ی زبانی از رعایت اصول نوشتن مثل نقطه‌گذاری، نوشتن با حروف بزرگ، و رعایت کامل دستور زبان پرهیز می‌شود. در یک نگاه، زبان پیامکی را می‌توان گویشی نوزاد در زبان دانست که واژگان و اعداد را در هم آمیخته تا مختصرترین واژگان را برای بیان مقصود بسازد. در فضای مجازی، هر کس با هر زبانی می‌تواند با هر کس با هر زبان دیگر ارتباط داشته باشد و طبیعی است که برنامه‌ریزان زبان نسبت به جایگاه زبان ملی خود در این فضای همه‌گیر نگران باشند. امروز دیگر ثابت شده است که این فضای بسته‌ی مجازی یک دهکده‌ی جهانی نیست که زبان واحد آن یک زبان طبیعی مانند انگلیسی باشد بلکه فضای مجازی، فضایی چندزبانه است که افراد یک جامعه‌ی زبانی برای تولید اطلاعات بیشتر در رقابت با افراد جوامع زبانی دیگر هستند. کریستال (۳۸: ۲۰۰۱) معتقد است یک زبان واحد الکترونیکی، جهانی و تعاملی به نام نت‌اسپیک^{۱۵}، در فضای مجازی حاکم است که همه‌ی استفاده‌کنندگان آن تابع مقررات و استانداردهایش هستند. اگر چنین باشد، باید انتظار داشت که یک صورت واحد بر محتوای زبان‌های به‌ظاهر متفاوت حاکم باشد. این صورت (همان مقررات و پروتکل‌هایی که بر فضای مجازی حاکم است) اینجا هم حاکم است (بیجن خان، ۱۳۹۱: ۹۵).

۱-۵ فینگلیش

با توسعه فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، یکی از نگرانی‌های عمده صاحب‌نظران زبان و ادبیات فارسی تحت‌الشعاع قرار گرفتن زبان ملی و ترویج شیوه‌های نگارش من‌درآوردی نظیر فینگلیش یا فارگیلیسی است. در دنیای چت‌روم‌ها، پست‌های الکترونیکی و پیام‌های کوتاه

14. SMS language

15. Netspeak

(SMS)، نوشتن عبارات فارسی با حروف لاتین رواج بسیار یافته است. ایرانیان داخل و خارج به کاربرد آسان زبان فارسی در وب نیاز دارند اما با وجود توسعه‌ی اینترنت به‌عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی قوی، هنوز در این زمینه با مشکلات جدی مواجه‌اند. ترفندی که هم‌اکنون برای رفع این مشکل به کار می‌رود استفاده از خط ابداعی «فینگلیش» است. در این خط کاربران از حروف لاتین استفاده می‌کنند تا مطلبی را به زبان فارسی بنویسند. در ادامه چند مثال از این شیوه‌ی نگارش ارائه شده است.

| فینگلیش | آوانگاری | معنای کاربردی در بافت | تحلیل |
|---------|----------|-----------------------|---|
| Dg | [dɪgə] | دیگر | ابتدا صدای حروف انگلیسی /d/ در ذهن نویسنده با صدای آوای فارسی تشابه انگاری شده؛ یعنی صدای هجای اول واژه‌ی «دی» در فارسی که همخوان D را در واژه‌ی فینگلیش Dg شامل شده، سپس در هجای دوم صدای همخوان «گ» در فارسی با صدای /g/ در انگلیسی همسان‌پنداری شده و در مرحله‌ی بعد فرایند حذف واکه و همخوان آخر رخ داده است. |
| Va□ | [vasə] | برای | ابتدا متناسب با صدای همخوان «و» و واکه‌ی «ا» در فارسی صداهای /v/ و /a/ در انگلیسی همسان‌پنداری شده‌اند و در قسمت بعد، عدد انگلیسی 3 را برابر با عدد سه در فارسی انتخاب و صدای /se/ در فارسی جایگزین تلفظ three در انگلیسی شده است. |
| Cela□ | [kəlas] | کلاس | همانند مثال va3 هست، با تفاوتی که گاهی صدای همخوان «ک» در زبان فارسی با حرف c و گاهی با حرف k نوشته می‌شود و همچنین صدای /se/ برای عدد سه در فارسی، واکه‌ی /e/ در آخر واژه‌ی فینگلیش حذف می‌شود. |

| | | | |
|---|-------------|--------------------|------------|
| حذف همخوان /h/ از آخر واژه‌ی دانشگاه بوده و همسان‌پنداری صدای اختصاری واژه‌ی «است» در زبان فارسی که مانند صدای /s/ تلفظ می‌شود و همسان‌پنداری این صدا با عدد «سه» و حذف واکه‌ی آخر /se/ و در آخر جابه‌جایی این صدا با عدد 3 در انگلیسی است. | دانشگاه است | [da:nəʃga ?ast] | Daneshga □ |
| همسان‌پنداری صدای همخوان «ب» و «د» در زبان فارسی با همایشان در انگلیسی، یعنی صداهای /b/ و /d/. | بده | [bədə] | Bd |
| حذف همخوان /z/ از بعد از واکه‌ی /a/ | از | [?az] | □ □ |
| حذف واکه‌ی /e/ بعد از همخوان /f/ و همچنین حذف همخوان /r/ بعد از همخوان /k/ رخ داده. | فکر | [fəkr] | Fk |
| U همان واژه‌ی اختصاری شده‌ی ضمیر you در زبان انگلیسی است که به‌صورت واژگانی در ذهن گویشوران فارسی زبان ثبت شده و آن را با «تو» در زبان فارسی همسان‌پنداری کرده و در همان معنا به کار برده که می‌تواند وام واژه‌ی اختصاری به حساب آید. | تو | [ju] | U |
| N در زبان انگلیسی به صورت «نه» با حذف فته‌ی (/na/) در ذهن نویسنده نقش بسته و همسان‌پنداری رخ داده. | نه | [na] | □ |
| در واژه‌ی «بابا» که به‌صورت bw در واژه‌ی فینگیلیش در آمده باید گفت نوعی ادغام آوایی، که شاید بتوان همسان آن را در گویش‌های دیگر یافت، جایگزین هجای دوم یعنی «با» شده و به شکل واکه‌ی /w/ در آمده که در خود زبان فارسی وجود ندارد. | بابا | [baba] | Bw |
| ترکیب هجا و عدد در حالی انجام‌شده که عدد 15 در انگلیسی با پانزده همسان‌پنداری شده و واکه و همخوان بعد آن با صدای /o/ و /m/. | پانزدهم | [panz:da:ʔom] | □ □ □ om |
| حذف همخوان /r/ از آخر واژه که قبل آن همسان | چطور | [tʃeto] | Cheto |

| | | | |
|---|--------|-----------|---------|
| پنداری زبانی بین حروف برگزیده نیز صورت گرفته است. | | | |
| واژه‌ی «جواب» در فارسی به شکل حروف javab همسان پنداری شده و سپس به صورت اختصاری /j/ نیز درآمده است. | جواب | [dʒævab] | J |
| ابتدا باید گفت که صدای واژه‌ی «یک» در فارسی با Yek همسان پنداری شده و سپس به شکل اختصاری Y درآمده است. و یا اینکه مراحل بالا رخ داده که قبل مرحله‌ی تبدیل شدن به حرف اختصاری Y، همخوان /k/ از واژه‌ی «یک» حذف شده و به شکل «یه»-/ye/ درآمده که به اختصار به صورت Y در نوشتار فینگلیش استفاده شده است. | یک | [jək] | Y |
| در این واژه که «تهران» ابتدا با حروف انگلیسی همسان پنداری شده و بعد حذف هجای دوم رخ داده است. | تهران | [təh] | Teh |
| حذف واکه‌ی /a/ است. | الآن | [ʔalan] | Aln |
| حذف همخوان میانی /t/. تبدیل همخوان /s/ به عدد 3 به خاطر شباهت آوایی «سه» و همخوان «س» در زبان فارسی، جابه‌جایی این شباهت آوایی سه در زبان فارسی و عدد 3 در انگلیسی، همین فرایند تشابه آوایی در زبان فارسی بین عدد سی و همخوان و واکه‌ی /si/ را در هجای آخر واژه‌ی دسترسی و همچنین جابه‌جایی آوایی در زبان فارسی و عدد 30 را در زبان انگلیسی مشاهده می‌کنیم. | دسترسی | [dasresi] | Da3er30 |
| انتخاب واژه‌ی «یکم» از lexicon به همراه تمامی اطلاعات آوایی، نحوی و معنایی، همسان‌پنداری آوای واژه با حروف انگلیسی و سپس حذف واکه‌ها. | یک کم | [jəkam] | Ykm |
| «امروز» موارد قبل در تلفظ حرف اول واژه‌ی «امروز» همسان پنداری کامل با آوای الفبای انگلیسی یعنی "M" که می‌شود /em/: سیزدهمین حرف الفبای | امروز | [əmröz] | Mrooz |

| | | | |
|----------------------------------|-------|----------|--------|
| انگلیسی، اتفاق افتاده. | | | |
| حذف واکه | بشور | [bəʃʊr] | Bshour |
| حذف واکه | بگو | [begu] | Bgoo |
| حذف واکه و همخوان | بذار | [bəzɑr] | Bza |
| جابه‌جایی هجای /si/ با نویسه‌ی C | رسیدی | [rəsidi] | ReCidi |

همان‌طور که دیده شد در همه‌ی این مثال‌ها و مثال‌هایی از این دست می‌توان به چند دلیل اصلی برای استفاده از این شیوه‌ی نگارش اشاره کرد:

- نبود شرایط مناسب برای تایپ فارسی بر روی دستگاه‌های هوشمند؛ مانند ضعیف بودن امکانات کیبورد فارسی و...

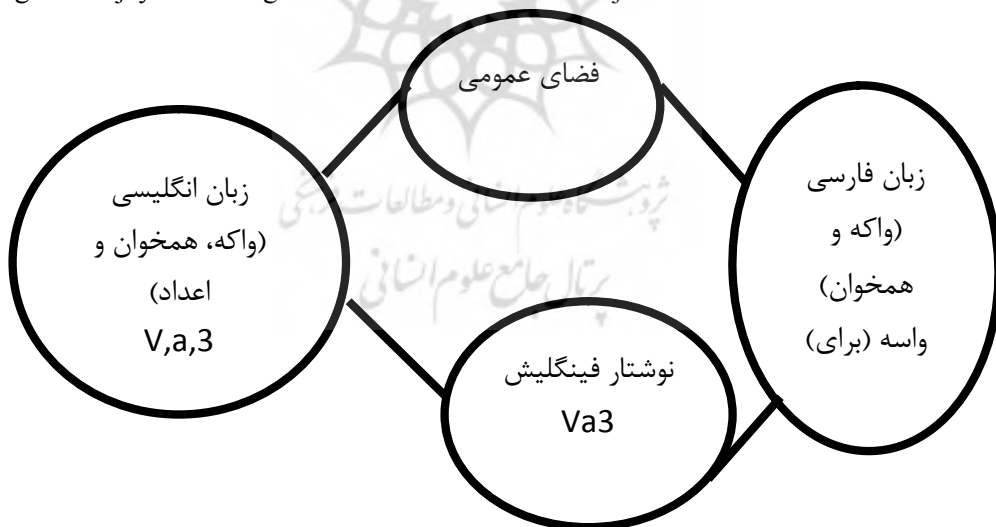
- اقتصادی بودن تایپ فینگلیش؛ به این شکل که با توجه به مقدار کاراکترهایی استفاده شده در تایپ فینگلیش در نسبت با تایپ فارسی می‌توان استنباط کرد که استفاده‌کنندگان از این شیوه‌ی نگارش میل به سریع‌تر رساندن پیام دارند و از خط فینگلیش بیشتر به‌عنوان خطی هجا نگار استفاده می‌کنند. می‌توان از آوانگاری واژه‌ها مشاهده کرد تنها چیزی که در این شیوه‌ی نگارش تغییر می‌کند شیوه‌ی نمود آواها در خط است و تأثیر چندانی بر زبان فارسی ندارند.

در ادامه با توجه به موارد اشاره شده در قسمت تحلیل داده‌ها در جدول و موارد اشاره شده از توصیف فضاهای ذهنی و تلفیق مفهومی، حال به چگونگی این ادغام در شکل‌گیری واژگان فینگلیش می‌پردازیم.

همان‌طور که ذکر شد معنا در واژگان نیست بلکه در فرایندهای مفهومی قرار دارد که بین موقعیت‌های واقعی و غیر واقعی ارتباط ایجاد می‌کند. اگر زبان فارسی را به همراه معنا و مفهومی که به حروف و الفبای فارسی مزین شده حوزه‌ی مقصد در نظر بگیریم و الفبای واژگان انگلیسی و اعداد و گاهی اشکال بکار رفته در فینگلیش نویسی را حوزه‌ی مبدأ، آنگاه که تلفیق صورت می‌گیرد؛ نوشتار سومی به وجود می‌آید که به حالت رسمی و دانشگاهی کاربرد ندارد؛ بلکه فقط در نوشتار عامیانه (بیشتر در صفحات مجازی پیامک) اتفاق می‌افتد. این فضای ذهنی تشکیل‌شده، نشان‌گر ادغام دو فرهنگ، دو طرز تفکر و نیز تغییر نگرش در گویشوران زبان مقصد (فارسی) است که با ایجاد این فضا، راه‌هایی از نوشتار زبان خود را ایجاد می‌کنند.

همان‌طور که مشاهده شد به هنگام نوشتار فینگلیش عواملی چون حذف واکه، حذف همخوان، همسان‌پنداری در صدای واژگان با اعداد، جابه‌جایی همخوان‌ها، درج واکه از نوشتار زبان مقصد و مواردی از این قبیل اتفاق افتاد که این جریان نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی کارکرد ذهن در هنگام فضاسازی‌های زبانی است. طبق نظریه‌ی فضاهای ذهنی، بعضی از ساخت‌های زبانی، که فضاها^{۱۶} نام دارند، ممکن است فضای ذهنی جدیدی را ایجاد کنند یا مرکز توجه را به فضای دیگر تغییر دهند. فضاها عبارت‌اند از حروف اضافه، قیدها، رابطه‌ها یا ترکیب‌های فاعل-فعل که داخل یک جمله به کار می‌روند. مسئله‌ای که به آن توجه نشده حروف نوشتاری است. برای مثال استاد دانشگاهی را در ذهن مجسم کنید که با دانشجوی خود در حال مکالمه‌ی نوشتاری است. اگر استاد به دانشجویش بگوید: «اگر من به‌جای تو بودم قطعاً برای ادامه‌ی تحصیل به خارج سفر می‌کردم»، ابتدا فضای ذهنی اول که گفته‌ی استاد است (فارغ از تفاوت جنسیت استاد و دانشجو) و فضای دوم که گفته‌های دانشجو قرار دارد و فضای سومی که استاد می‌سازد که امکان انجام آن یعنی رفتن به خارج برایش امکان ندارد، ایجاد می‌شود. حال فرض کنید همین جمله را استاد خطاب به دانشجو با حروف فینگلیش تایپ کند:

“agr mn B jaye to bdm gtan va3 edme tah30l B kharej mi Raftam”



با تایپ فینگلیش ابتدا فضاسازی‌هایی که ذکر آن رفت، یعنی فضای ذهنی اول حروف زبان فارسی مفهومی که به همراه واژگان با خود دارند، با فضای ذهنی دوم که حرف الفبای

انگلیسی و اعداد و گاهی اشکال هستند ادغام شده و فضای ذهنی سومی را که حاصل آن حروف فینگیلیش است به وجود می‌آورد، سپس می‌توان از لحاظ تحلیل گفتمانی به مواردی چون رابطه‌ی نزدیک‌بین استاد و دانشجو یا حتی کم سوادى طرفین تايپ‌کننده به فینگیلیش نیز پی برد. این‌گونه فضا سازی‌ها در نوشتار زبان فارسی نه‌تنها مشکل‌آفرین نیست بلکه قسمتی از امکانات آن به حساب می‌آید که بخشی از واقعیت نوشتار زبان فارسی را شکل داده است و باید به‌جای مقابله با آن، دنبال راهی برای استفاده‌ی بهینه از این امکان بود.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به مسائلی که پرداخته شد و نگاه‌های متفاوت به وضعیت امروزی خط فارسی، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که خط فارسی کارکرد پیشین خود را برای فارسی‌زبانان از دست داده و دچار چالش‌های فراوانی، هم به لحاظ زبان‌شناختی و هم به لحاظ جامعه‌شناختی، شده است. باید بپذیریم که وضعیت جامعه‌شناختی امروز ایران و درگیری قدیمی بین سنت و مدرنیته در این جامعه خود را در سطح خط زبان فارسی هم نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت برای پویایی زبان و به‌واسطه‌ی آن پویایی جامعه‌ی فارسی‌زبان باید وجوهات صلب این زبان دچار مسئله شوند تا بتوان به شیوه‌ای امروزی‌تر و انسان‌محورتر به جهان پیرامون نگریست. یکی از این وجوهات صلب زبان، و شاید بتوان گفت صلب‌ترین نمود زبان، خط است و فارغ از این‌که چه تصمیمی برای آینده‌ی زبان فارسی گرفته می‌شود همین کاهش صلبیت می‌تواند امکانات بسیاری را برای زبان فارسی و اندیشه‌ی فارسی‌زبان ایجاد کند. به باور نگارندگان، این تغییرات احتمالی در خط فارسی که در نمودهای مختلف آن دیده می‌شوند، از جمله شیوه‌ی نگارش فینگیلیش، نه‌تنها به ساختار زبان فارسی و هویت فارسی‌زبان صدمه نمی‌زند بلکه این امکان را ایجاد می‌کند که با رهایی از چهارچوب‌های قدیمی زبان فارسی فراتر رفت و به تجربه‌ای نو رسید.

منابع

- آقاگل زاده، فردوس، عباسی، زهرا، ۱۳۹۱، «بررسی وجه فعل در زبان فارسی برپایی نظریه فضاهاى ذهنی»، *ادب پژوهی*. شماره ۲۰، ۱۳۵-۱۵۴.
- افتخاری، سید اسماعیل، ۱۳۸۴، «درآمدی بر خط‌شناسی و نظم‌گریزی نوشتار فارسی»، *مصباح*، شماره ۵۸، از ۳۳ تا ۶۲.
- بامشاد، سمانه، ۹۸/۲/۱۶. «زبان در شبکه‌ی اجتماعی». گوگل. www.medianews.ir
- براتی، محمود، ۱۳۸۸، «سرگذشت خط فارسی»، *پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی*، سال اول، شماره دوم. از ۱۰۹ تا ۱۲۸.
- بیجن خان، محمود، ۱۳۹۱. «خط و زبان فارسی در فضای مجازی»، *همایش محتوای ملی در فضای مجازی، تهران، کنسرسیوم محتوای ملی*.
- دانای طوسی، مریم و بلوچ، بهمن، ۱۳۸۵. «تاثیر شفافیت و تیرگی خط فارسی بر عملکرد کودکان طبیعی و نارساخوان در آزمون‌های آگاهی واج شناختی»، *مجله ی زبان و ذهن*، (۱۱)، ۷۷-۶۱.
- زندى، بهمن. ربانى، فاطمه، ۱۳۸۸. «بررسی میزان هم خوانی زبان پیام کوتاه با زبان فارسی معیار»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۵. از ۴۷ تا ۷۶.
- ضیایی پرور، حمید، ۱۳۸۵، «زبان فارسی در اینترنت، علوم اجتماعی»، *پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۴۷، از ۷۷ تا ۹۸.
- طارمی، طاهره. رفیعی، عادل، ۱۳۹۲. مقایسه میزان انطباق صورت‌مکتوب و ملفوظ نوشتار در زبان فارسی و انگلیسی، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، شماره ۵، از ۲۳ تا ۴۰.
- عامری، حیات و همکاران، ۱۳۹۴. «بررسی فضاهاى ذهنی در متون خبرب روزنامه‌هاى ایران»، *علم زبان*، سال ۳، شماره ی ۴، از ۱۵۶-۱۷۸.
- فرشید ورد، خسرو، ۱۳۵۰. «بحثی درباره خط فارسی و پیشنهادهایی درباره یکسان کردن آن»، *وحید*، شماره ۹۶.
- گلفام، ارسلان، علوی، فاطمه، ۱۳۸۵. «نگاهی به معناشناسی فضاهاى ذهنی». *فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*. شماره ۶۳ و ۶۴، از ۲۳۲-۲۰۹.
- معماریان، علی، ۱۳۷۸، «دستگاه آوانگار فارسی»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۵۲، از ۱۰۱ تا ۱۱۲.

معمارزاده طهران. مهرداد. ۱۳۹۸/۲/۱۶، «تغییر خط فارسی، به کدامین بها؟»، گوگل.
Kuroshebozorg.blogspot.com
نجف قلی، اعظم و همکاران، ۱۳۹۰. «دنیای مجازی، امکانات، قوانین، روش‌ها و ابزارهای
ارزیابی»، تهران: نشر کتابدار.
یگانه، شهناز، ۱۳۹۳. «اثرات شفافیت و تیرگی خط فارسی بر مهارت‌های نوشتن کودکان
طبیعی و خوانش پریش از طریق آزمون‌های آگاهی واج‌شناختی و املای واژه»، علم زبان، سال
دوم، شماره ۲.

Fauconnier, G. 1985. *Mental Spaces*. Cambridge, Mass.: MIT Press.

Fauconnier, G. 1997. *Mappings in Thought and Language*. New York and
Cambridge: Cambridge University Press.

Fauconnier, G. and M, Turner. 1998. "Conceptual Integration Networks."
Cognitive Science. Volume 22, number 2 (April-June 1998), pages 133-187.

Faucnnier, G. and M, Turner. 2002. *The Way We Think*. New York: Basic Books.

Lakoff, G. and M. Johnson. 2008. *Metaphors We Live By*. University of Chicago
Press.